

# از کتب ما

ژوئن - ژوئیه

۱۹۳۲ مسیحی

تیر ماه

۱۳۱۱ شمسی

سال

سیزدهم

(مدیر و نگارنده وحید دستگردی)

شماره

چهارم

## (سکه یا سند تاریخی مهم)

بقلم آقای کروی

کسانی که در سکه شناسی دست دارند می دانند که این فن ارتباط بسیاری با فن تاریخ دارد. زیرا ما - اگر سکه های پادشاهی را گرد آورده باشیم از روی یقین خواهیم دانست که او چند سال فرمانروائی کرده و کدام شهرها را زیر فرمان داشته و بچه کیشی می گرفته و آیا پادشاهی جداگانه داشته یا گماشته پادشاه دیگر بوده است.

از دیده تاریخ نگاری سکه های کهن ارزش آن نوشته های سنگی را دارد که در اینجا و آنجا هست و سندهای دست نخورده تاریخی است که از زمان باستان باز مانده. اگر سکه چیز کوچکی است و هر کدام جز یک یا دو جمله را دربر ندارد جبران این تفاوت را فراوانی آنها می کند زیرا ما می توانیم در برابر هر یک نوشته سنگی که داریم چندصد بلکه چند هزار سکه نشان دهیم بویژه از این پس که بجهت کاوشهایی که میشود شماره سکه های کهن روزافزونست

چه با مطالبی که در هیچ کتابی نیست و تهاسند آنها سکه هاست . اگر خوانندگان ارمغان تاریخچه شیر و خورشید را که نگارنده نگاشته و چاپ کرده ام خوانده باشند می دانند بیشتر مطالب آن از روی سکه های مسی که کسی بهائی بر آنها قائل نیست برداشته شده .

نیز درین چند روزه بسکه بر خوردم که مطالبی را که در کتابها نیست می نماید و در این مقاله بشرح آن می پردازم . این سکه که از قره است و در نیمه های قرن چهارم هجری زده شده از جهت سنگینی و گلفتی بدوقرانی های امروزی ما شبیه تراست تا بدرهم های نازک و سبک آن زمان و چندان تازه و درست باز مانده که گوئی تازه از قالب در آمده است .

عبارتهائی که بر روی این سکه هست از این قرار است :

در یگروی

میانہ : لا اله الا الله محمد رسول الله .

حاشیه ۱ : بسم الله ضرب هذا الدرهم بسلاسلاباد سنه ثلث واربعين وثلث مائة

حاشیه ۲ : محمد علی الحسن الحسین علی محمد جعفر اسمعیل محمد .

در روی دیگر شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

میانہ : علی خلیفة الله وهسودان بن محمد .

حاشیه : انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون

الزکوة وهم را کمون .

این عبارتها با خط کوفی بسیار خوبی بر روی سکه پیدا و تنها کلمه سلاسلاباد در خور تردید است که پس از آن گفتگو خواهیم داشت .

اما وهسودان باید دانست که ما در تاریخ سه نژادشاه را با این نام میشناسیم ی وهسودان پسر جستان جستانی که در دیلمان فرمان می راند . دوم وهسودان



پسر محمد کنگری که در تارم و زنکان حکمرانی داشته . سوم وهسودان پسر محمد روادی که در آذربایکان پادشاهی کرده . هر سه تن از این وهسودان ها را ما در کتاب شهریاران گمنام یاد کرده و داستان ایشان را تا آنجا که در دسترس بوده سروده ایم . این سکه ما از آن وهسودان کنگری است زیرا که با تاریخ و زمان آن دو تن دیگر سازش ندارد .

این وهسودان در زمان خود بسیار مهم بوده و می کوشیده که بر سراسر دیلمان و عراق عجم و آذربایکان دست یابد و اینست که پیوسته با برادرزادگان خود که در آذربایکان فرمانروا بودند و بارکن الدوله معروف پدر عضدالدوله که در ری و اسپهان حکمرانی داشت در جنگ و پیکار بوده چنانکه متنبی شاعر معروف تازی در قصاید خود در مدح عضدالدوله نام این وهسودان را برده و داستان یکی از جنگهای او را بارکن الدوله سروده است .

در تاریخ پس از اسلام ایران - هیچ تیره و نژادی از ایرانیان باندازه دیلمان کار نکرده . قهرمانی های این مشت کوهستانیان در برابر هجوم مسلمانان یکی از داستانهای بسیار شگفت است . سیصدسال بیشتر جلو آن هجوم را گرفته آزادی خود را نگاهداشتند - هجومی که کوههای پیرنه در برابر آن ایستادگی نتوانسته بود سپس هم چون براهنمائی علویان تیورستان باسلام درآمدند و بدینسان راه بمیان مسلمانان پیدا کردند در اندک مدتی پنج خانواده پادشاهی از ایشان برپا گردیده سراسر ایران را زیر فرمان در آورده بلکه بر بخش عمده از عالم اسلام هم حکم راندند .

در باره کیش و آیین دیلمان جستانیان را می دانستیم که زیدی بودند و بویهیان را هم می شناختیم که بدوازده امام عقیده داشتند ولی در باره کیش کنگریان هیچگونه آگاهی نداشتیم تا این سکه بدست آمده و آشکار مینماید این خاندان هم اسماعیلی بوده اند .

باید گفت نخستین بار که آیین اسماعیلی در ایران پیروی شده و پادشاهی بترویج آن آیین برخاسته از همین زمان و هودان است و زمینه برای الموتیان در تارم و طاقان که آن دستگاہ مهم را چیدند از همین زمان آماده شده بوده و چون اسماعیلی گری در تاریخ ایران کار بسیار کرده دانستن اینکه از بره زمان رواج یافته و چه کسانی بترویج آن کوشیده اند اهمیت بسار دارد و این مطلب تنها از این سکه برمی آید و اینست که ما اینرا سند مهم می شماریم .

اما سلاسلاباد که گفتیم درخور تردید است نخست آنکه این کلمه بر روی سکه روشن نیست و می توان آن را طور دیگر خواند . دوم اینکه ماشه ری را با این نام نمی شناسیم . تختگاه و هودان شمیران تارم بوده . مگر اینکه نطفه شود و هودان دزی را خویشتن بنیاد گزارده و با این نام نامیده بود . و چون نشیمنگاه او بود سکه در آنجا زده می شده است . در این باره هم مانوشته یا قوت را داریم که دژ نشیمن پادشاهان کنگری را «سلاروند» می نامد بهر حال کلمه شکدار است و تا دانه دیگری از این سکه پیدا نشود این شك برداشته نخواهد شد .

## مسیح کاشانی

فان پوان بختیاری

از زمانی که قادر بر ادراك معقولات شده ام همواره تعظیم بر مظاهر مسکنت و بی اعتنائی بظواهر جلال و جبر و ترا دوست داشته استغنائی طبع را ستایش کرده تکبر و بخت را منقور داشته ام و بواسطه پیروی همین شیوه در زندگانی مادی از هم نشان عقب مانده و شاید که تا پایان حیاتم نیز از آسایش جسمانی بهره مند نشوم و از آنجا که سلسله شعرا بیش از سایرین در این مرحله قدم زده و افزون از